Classical Greek sculpture

During their Classical period, the Greeks achieved new heights in

art, architecture, theatre and philosophy. The era began with a

Greek victory over Persia in 480 BCE. Confident and with a new

sense of unity among the city-states, artists began to try creating

lifelike forms. The period became known as Greece’s Golden Age.

For the first time, artists observed and tried to replicate nature as

realistically as possible. In sculpture, implied movement was

introduced, as in Discobolus, a life-sized statue of an Olympic

athlete by Myron, c.450 BCE.

Greek art reached a height of perfection during this period. A

massive building programme began with the Parthenon, an

imposing expression of harmony and balance, overseen by the

sculptor Phidias. His style is characterized by a lightness of touch

and attention to detail. Some of the greatest free-standing

sculpture of the period was created by Polykleitos, a rival of

Phidias. Praxiteles developed sculpture even further, skilfully

expressing movement, balance, textures and emotion.

مجسمه‏سازی كلاسيك يونان[[1]](#endnote-1)

یونانیان درطول دوره‏ی کلاسیک خود به افق‏های جدیدی از هنر، معماری، تِئاتر و فلسفه دست یافتند. این دوره با پیروزی یونان بر ایران[[2]](#endnote-2) در سال 480 قبل از میلاد آغاز شد. هنرمندان با نوعی اطمینان ودرک جدیدی از وحدت میان شهرها سعی کردند صورت‏هایی واقعی بسازند. این دوره به عصر طلایی یونان مشهور شد. برای اولین بار هنرمندان ابتدا مشاهده کرده و سپس سعی کردند طبیعت را تا جایی که ممکن است به شکلی واقعی بازسازی کنند. حرکات ضمنی درمجسمه‏سازی، در مجسمه‏ی یکی از ورزشکاران المپیک به عنوان مجسمه‏ای در ابعاد و اندازه‏ای طبیعی توسط میرون[[3]](#endnote-3) معرفی شد.

هنر یونان در این عصر به کمال رسید. با ساخت پارتنون[[4]](#endnote-4) یک نقشه‏ی ساختمانی عظیم معرفی شد. نقشه‏ای که تجلی پر ابهت توازن و تعادل بود و به سرپرستی مجسمه‎سازی به نام فیدیاس[[5]](#endnote-5) ساخته شد. شیوه‏ی او در مجسمه‏سازی با ظرافت در ساخت و دقت در جزئیات متمایز می‌شود. برخی از بی‏نظیر ترین مجسمه‏های این دوره توسط پلی‏کلیتوس[[6]](#endnote-6)، رقیب فیدیاس، ساخته شد. پس از او پرکسیتلس[[7]](#endnote-7) مجسمه‏سازی را بیشتر گسترش داد. او با مهارت، گویایی اثر، تعادل، بافت و احساس را در مجسمه سازی گسترش داد.

1. Greek [↑](#endnote-ref-1)
2. Persia [↑](#endnote-ref-2)
3. Myron [↑](#endnote-ref-3)
4. Parthenon [↑](#endnote-ref-4)
5. Phidias [↑](#endnote-ref-5)
6. Polykleitos [↑](#endnote-ref-6)
7. Praxiteles [↑](#endnote-ref-7)